**چیزهای شگفت‌انگیز از کلامت**

مزمور ۱۱۹:‏۱۸

چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم.

**نیاز شدید ما به روشنگریِ خدا**

هفتۀ گذشته، ما سه نکته را در این آیه بررسی نمودیم: ۱) در کلام خدا، چیزهای شگفت‌انگیزی وجود دارد؛ ۲) بدون یاری و مدد خدا از اعلا، هیچ‌کس قادر نیست واقعیت این چیزهای شگفت‌انگیز را مشاهده کند؛ ۳) بنابراین، وقتی کتاب‌مقدس را می‌خوانیم، باید به درگاه خدا دعا کنیم، تا از اعلا، ما را منوّر سازد.

از این‌رو، هفتۀ گذشته، بر دعا تمرکز نمودیم؛ و اینکه برای دیدن امور روحانی، به شدت نیازمندیم که خدا ما را از اعلا منوّر سازد، تا جلال و زیبایی و کمال خدا را مشاهده نماییم. شما به هنگام خواندن کلام خدا، می‌توانید چیزهای بسیاری را مشاهده کنید، حتی اگر خدا چشم دل شما را نگشوده باشد. می‌توانید واژگان و نکات دستور زبان را به چشم خود ببینید. می‌توانید ارتباطات منطقی را مشاهده کنید؛ و نیز واقعیتهای تاریخی، و قصد و نیّتهای عقلانیِ نویسنده را؛ همان‌طور که قادر خواهید بود عواطف و احساسات انسانی را مشاهده نمایید؛ و برای دیدن هیچ‌یک از آنها، لازم نیست که خدا به طریقی خاص و روحانی، چشمان شما را بگشاید.

اما آنچه که قادر به دیدنش نیستید، زیباییِ روحانی خدا، و پسرش، و کارشان در دنیاست. شما قادر نیستید این را ببینید که تنها خداست که باید بیش از هر چیز دیگر، بی‌نهایت خواستارش باشیم. یک شخص نابینا، قادر به دیدن خورشید نیست، اما می‌تواند از واقعیتهای بسیاری دربارۀ خورشید با اطلاع باشد؛ و نسبت به شخصی بینا، در آزمون ستاره‌شناسی نمرۀ بالاتری کسب کند. دانستن دربارۀ چیزی، با دانستنی که از مشاهده حاصل می‌شود، یکی نیست. چشیدن عسل، یک چیزی است؛ و اینکه فقط بدانیم که عسل شیرین است، چیز دیگری است.

دوباره از پولس برایتان می‌خوانم، که به کامل‌ترین شکل، وضعیت ما را توصیف نموده، و عنوان می‌کند که بدون روشنگریِ خاص و نجاتبخش خدا، ما در چه وضعیتی به سر می‌بریم. او در رسالۀ افسسیان ۴:‏۱۷-‏۱۸، در مورد وضعیت انسان، به پنج مشخصۀ هولناک اشاره می‌کند؛ که با توجه به این وضعیت، اگر طالب دیدن واقعیتهای روحانی هستیم، باید که مداخلۀ الهی در کار باشد. پولس می‌گوید که امتها (به بیان دیگر، مردم عادیِ جهان، از همۀ قومها و ملتها، که از فیض جدا هستند)، «در بطالتِ ذهنِ خود رفتار می‌نمایند؛ که در عقل خود، تاریک هستند؛ و از حیات خدا محروم، به سبب جهالتی که به جهت سخت‌دلیِ ایشان در ایشان است.» اگر این جمله را از آخر به اول نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم که در همۀ ما، جدا از فیض توانمند خدا، سخت‌دلی وجود دارد که به جهالت ختم می‌گردد؛ و جهالتی که به بیگانگی با خدا منجر می‌گردد؛ و این بیگانگی، به ظلمت ختم شده، ظلمتی که به دانش و آگاهی، و زندگی باطل منتهی می‌شود.

پس نکتۀ هفتۀ گذشته این بود: اگر برای دیدن چیزهای شگفت‌انگیز در کلام خدا، امیدی وجود داشته باشد، آن امید این است که ما باید از ظرفیتی الهی و مافوق طبیعی برخوردار باشیم؛ ظرفیتی که خدا باید آن را عطا نماید، چرا که ما ذاتاً از آن بهره‌مند نیستیم. بنابراین، باید برای این مهم دعا کنیم - «چشمان مرا بگشا.» و اگر بخواهیم در خدا زنده بمانیم و محبتمان برای او اصیل و واقعی و آتشین باشد، به شدت نیازمندیم که هر روزه، خدا چشمانمان را بگشاید. پس دعا کنید و دعا کنید و دعا کنید. مزمور ۱۱۹ را بخوانید؛ و ببینید که مزمورنویس برای شناخت خدا و طریقهای او، چندین مرتبه دعا می‌کند و یاریِ الهی می‌طلبد.

**دیدن، شدن است**

اما امروز قصد دارم به نکته‌ای متفاوت اشاره کنم. ولی پیش از آن، می‌خواهم مطمئن شوم که دلیل اهمیت آن را درک می‌نمایید. این نکته مهم است، چرا که به شباهت عیسی درآمدن، زمانی میسّر است که زیبایی و ارزش و کمال خدا و پسرش، و کلام و طریقهایشان را ببینیم. پولس در رسالۀ دوم قرنتیان ۳:‏۱۸ می‌گوید: «لیکن همۀ ما چون با چهرۀ بی‌نقاب، جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال، به همان صورت، متبدل می‌شویم؛ چنان که از خداوند که روح است.» دیدن، شدن است.

تنها راه تغییر رفتار مسیحیان، دیدن است؛ و بدین‌گونه است که خدا حرمت نهاده می‌شود. ما تغییر می‌کنیم، زیرا برترین زیبایی و ارزش و کمال را مشاهده نموده‌ایم. اگر به چهرۀ مسیح می‌نگرید؛ و سپس به مجله‌ای ورزشی، یا مجلۀ مد و زیبایی نگاه کرده، و مجذوب زیبایی و ارزش و کمال برتر مسیح نمی‌گردید؛ و او دلخواهتان نیست، پس هنوز سخت‌دل و کور بوده، و در بطالت ذهنتان گرفتارید. باید فریاد و فغان سر دهید که «چشمان مرا بگشا، تا از کلام تو، چیزهای عجیب بینم!» و سپس زندگی شما، نمودار آن خواهد بود. گنج شما - اشتیاق شما، وجد و شادی شما، زیبایی شما – هر جا که هست، دل شما نیز همان جا خواهد بود؛ و اوقات فراغتتان، و آخر هفته‌تان، و پول شما نیز. ما با دیدن جلال خدا در کلام خداست که تبدیل می‌شویم. اگر درخشش و جلال دنیا به نظرتان پرجلال‌تر و گیراتر از جلال خداست، پس خدا را ندیده‌اید. رسالۀ سوم یوحنا ۱۱ می‌فرماید: «بدکردار، خدا را ندیده است» (اول یوحنا ۳:‏۶ را نیز مشاهده نمایید).

از این‌رو، همۀ نکاتی که بدان اشاره نمودیم، مهم بوده، چرا که همۀ آن تبدیل واقعی، که زندگی را تغییر می‌دهد و خدا را حرمت می‌نهد؛ و از ارزش روحانی برخوردار است، از دیدن جلال خدا سرچشمه می‌گیرد، نه اینکه فهرستی از رفتار و سلوک مذهبی تهیه نموده، و سعی کنیم که آنها را تقلید نماییم.

**خدا از طریق کلامش، زیبایی مسیح را مکشوف می‌نماید**

نکتۀ امروز این است: خدا زیبایی و کمال مسیح را تنها به آنانی نشان می‌دهد که به کلامش توجه دارند. به همین دلیل است که تغییر روحانی و راستین، از خواندن و تعمق نمودن و به حافظه سپردن کتاب‌مقدس صورت می‌گیرد. این تغییر بدان دلیل نیست که شما قواعدی را می‌آموزید که بدانید چگونه باید اطاعت کنید، بلکه دلیلش این بوده که کتاب‌مقدس، آن مکانی است که خداوند، زیبایی و کمال مسیح را در آن مکشوف می‌نماید.

بگذارید این نکته را واضح‌تر توضیح دهم. فرض کنید که شما پیغام هفتۀ گذشته را شنیده و دانسته‌اید که «برای تغییر کردن، باید جلال خدا را ببینیم؛ اما به خاطر اینکه مرده و سخت‌دل و کوریم، قادر به دیدن جلال او نیستیم؛ بنابراین، باید به درگاه خدا دعا کنیم، تا ما را زنده، و دلمان را نرم سازد و چشمانمان را بگشاید.» و فرض کنید که نتیجه‌گیری شما چنین بوده است: «بسیار خوب، پس باید خود را وقف دعا کنم، نه وقف مطالعه، یا خواندن، یا به خاطر سپردن کتاب‌مقدس؛ چرا که انسان صرفاً با دیدن و استدلال نمودنش، نمی‌تواند آنچه که واقعاً باید دیده شود را مشاهده نماید.». باید گفت که این یک نتیجه‌گیری بسیار بد از گفته‌های من، و از متن مورد نظر است.

نکته اینجاست: خدا زمانی چشم نابینا را می‌گشاید تا جلال خدا را در کلامش ببیند، که آن نابینا به کلام روی آورده باشد. فرض کنید که قصد دارید شکوه گِرند کَنیون را ببینید، اما نابینا هستید؛ و بر فرض که خدا به شما بگوید: «مرا بخوان و بیا و به درگاه من دعا کن؛ و من چشمان تو را می‌گشایم تا شکوه گِرند کَنیون را ببینی.» آیا شما برای دعا کردن، از آریزونا به فلوریدا می‌روید؟ و یا اینکه از همۀ توان و احساساتی که خدا به شما داده، استفاده کرده، تا به گِرند کَنیون برسید و به سوی آنچه که خدا وعده داده بود، چشم بدوزید؟ منظور من این است که اگر اصرار داشته باشید که بر فرض در منطقۀ اِوِرگِلیدز در فلوریدا به سر برید، هر چقدر هم که دعا کنید، خدا شکوه گِرند کَنیون را به شما نشان نخواهد داد.

منظورم را به شکل دیگری بیان می‌کنم. خدا این‌گونه مقرر نموده که کار روحش، که گشودن چشم است، همواره با کار کلامش، که آگاه‌ ساختن ذهن است، تلفیق گردد. هدف خدا این است که ما جلال پسرش را بنگریم و (تبدیل شویم). پس وقتی به پسر می‌نگریم، خدا چشم ما را می‌گشاید، نه وقتی که به سریالهای تلویزیونی و حراجیها چشم می‌دوزیم. روش خدا در مکاشفه از خودش؛ مکاشفه‌ای که راستین و روحانی است، به این شکل می‌باشد که روح‌القدس و کلام خدا همواره در کنار هم عمل کنند. کار روح‌القدس این است که جلال و زیبایی و ارزش آنچه را که ذهن ما در کلام می‌بیند، نشان دهد.

ما نباید اشتباه کرده و چنین پنداریم که قرار است روح‌القدس به ما اطلاعات تازه‌ای بدهد. ما هم‌اکنون نیز هزاران مرتبه بیش از آنچه فکر کنیم، دربارۀ خدا در کتاب‌مقدس اطلاعات داریم؛ حتی بیش از میزانی که بتوانیم به ژرفایشان رفته، و یا از آنها بهره‌مند گردیم. آنچه نیاز داریم این است که با چشم دلمان ببینیم! هر اطلاعاتی هم که روح‌القدس به آنچه که می‌توانیم از مسیح در کلام ببینیم، بیفزاید، ما را نه یک مثقال روحانی‌تر کرده، و نه یک ذره کاری می‌کند که باعث خشنودی خدا شویم.

فرض کنید روح‌القدس این اطلاعاتِ تازه را بر شما مکشوف سازد که قرار است دوست نازای شما باردار شود. شما این را به دوست خود می‌گویید؛ و چه اتفاقی می‌افتد؟ او و شما از معجزۀ این نبوت و بارداری، بسیار به هیجان می‌آیید. ولی از نظر روحانی، چه سودی برایتان داشته است؟ هیچ سودی؛ مگر اینکه به کلام مراجعه کنید و با چشم دلتان، جلال و زیبایی مسیح را بنگرید که در کتاب‌مقدس به تصویر کشیده شده است؛ عیسای ناصری، که مصلوب گشت و از مردگان برخاست، تا گناهکاران را نجات بخشد و خدایی را جلال دهد که شما را چنین برکتی داده است. وقتی معجزه‌ای به وقوع می‌پیوندد، طبیعی است که شور و هیجانی را در پی دارد، ولی الزاماً از بُعد روحانی یا ماورای طبیعی برخوردار نیست. عطایای روح‌القدس ارزشمندند، اما بی‌نهایت مهم‌تر از آنها، روشنگریِ روح‌القدس است که چشم را می‌گشاید، تا جلال مسیح را در کلام مشاهده نماییم.

ما به اطلاعاتی تازه احتیاج نداریم؛ آنچه که نیازمندیم، چشمانی تازه برای دیدن چیزی است که در کلام خدا برایمان مکشوف گشته است. چشمان مرا بگشا، تا از شریعت تو، چیزهای عجیب بینم!

**دعا نکنید و بی‌تأمل بگذرید**

بیایید به ماحصل این نکته توجه کنیم.

نخست اینکه، وقتی برای چشمانی بینا دعا می‌کنید، ذهنتان را روی دندۀ خلاص نگذارید. بر این باور نباشید که چون دعا حیاتی است، به این معناست است که تمرکز و تأمل بر کلام خدا ضرورت ندارد. وقتی دعا می‌کنید که جلال مسیح را ببینید، نگذارید که ذهنتان به بیراهه رود و هر کجا سرک کشد؛ و نه اینکه فقط منتظر بنشینید و هیچ‌کاری نکنید؛ چرا که این اشتباهی عظیم است که در طرز فکر ادیان شرقی ریشه دارد؛ و از کتاب‌مقدس نیست. چیزی که مسیحیت را منحصر به فرد می‌سازد، این است که مسیحیت دقیق است و ریشه در تاریخ دارد. عیسی خارج از زمان و مکان زندگی نکرد. هدف خدا این است که چشمانتان را بگشاید، تا زیبایی روحانی، و ارزش این انسان خاص را، به همان شکل که در کلام خدا مکشوف است، مشاهده نمایید. اگر برای این دیدن دعا کنیم، ولی ذهنمان را از آن منحرف سازیم، آن زیبایی و ارزش را نخواهیم دید. پس صرفاً دعا نکنید و بی‌تأمل بگذرید.

**پس چکار کنیم؟**

**۱. دعا کنید و بخوانید**

کلام را بخوانید. چه افتخاری، و چه تعهدی! و چه زمینه‌ای برای دیدن خدا! به رسالۀ افسسیان ۳:‏۳-‏۴ مراجعه کنید؛ که پولس می‌نویسد: «این سرّ، از راه کشف، بر من اعلام شد، چنان که مختصراً پیش نوشتم؛ و از مطالعۀ آن، می‌توانید ادراک مرا در سرّ مسیح بفهمید.» وقتی که می‌خوانید! خدا اراده نمود که عظیم‌ترین اسرار زندگی، از طریق خواندن آشکار گردد.

سپس این آیات را با فصل ۱:‏۱۸ از همان رساله مقایسه نمایید، که پولس می‌گوید: «تا چشمان دل شما روشن گشته، بدانید که امید دعوت او چیست.» بنابراین، افسسیان ۳:‏۴ می‌فرماید که سرّ، با خواندن آشکار می‌گردد؛ و افسسیان ۱:‏۱۸ می‌فرماید برای اینکه از آنچه لازم به دانستن است، آگاه گردیم، باید که خدا در جواب دعای ما، چشمانمان را بگشاید. بله، باید دعا کنیم. بله، ما بدون یاری خدا، کور هستیم. اما نکتۀ این هفته آن است که ما باید بخوانیم.

«از مطالعۀ آن، می‌توانید ادراک مرا در سرّ مسیح بفهمید.» دعا نمی‌تواند جایگزینِ خواندن گردد. شاید که دعا باعث شود که وقتی می‌خوانیم، بتوانیم ببینیم، ولی اگر نخوانیم، نخواهیم دید. روح‌القدس آمد تا عیسی را جلال دهد؛ و جلال عیسی، در کلام به تصویر کشیده شده است. بخوانید؛ و از این شادی کنید که می‌توانید بخوانید.

**۲. دعا کنید و مطالعه نمایید**

دوم تیموتائوس ۲:‏۱۵: «و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود؛ و کلام خدا را به خوبی انجام دهد.» خدا دربارۀ خودش، کتابی به ما داده، تا نه اینکه ما به عادت سابقِ کتاب‌خوانی، آن را سر به هوا و بی‌دقت مطالعه نماییم. پولس می‌گوید: «سعی کن که . . . کلام خدا را به خوبی انجام [دهی].» این بدان معناست که اگر می‌خواهید از کلام خدا بیشترین بهره را ببرید، باید که در خواندن آن، کوشا باشید.

آونگ، هم به جلو، و هم به عقب حرکت می‌کند. برخی معتقدند که باید دعا کرد و دعا کرد؛ و به مطالعه، که عملی انسانی و غیر روحانی است، متکی نبود. برخی دیگر معتقدند که باید مطالعه کرد و مطالعه کرد، چرا که خدا معنای آنچه مطالعه می‌کنیم را در دعا نخواهد گشود. ولی کتاب‌مقدس، جایی برای این دوگانگی نمی‌گذارد. ما باید مطالعه کنیم؛ و به دقت، به کلام خدا بپردازیم؛ و باید دعا کنیم، چرا که بدون دعا، آنچه ضروری است؛ یعنی، جلال خدا در چهرۀ مسیح را، در کلام مشاهده نخواهیم کرد (دوم قرنتیان ۴:‏۴، ۶).

بنجامین وُرفیلد؛ یکی از برجسته‌ترین دانش‌آموختگان کتاب‌مقدس، در سال ۱۹۱۱ می‌نویسد: «گاهی اوقات این‌طور می‌شنویم که گفته می‌شود اگر ده دقیقه زانو زده و دعا کنید، به شناختی حقیقی‌تر، عمیق‌تر، و موثرتر از خدا دست می‌یابید، تا اینکه ده ساعت به مطالعۀ کتابهایتان بپردازید. چی؟! چه پاسخی از این مناسب‌تر که «ده ساعت مطالعه همراه با دعا» («زندگی مذهبیِ دانشجویان الهیات»، تألیف: مارک نول، الهیات پِرینستون، [انتشارات کتابخانۀ بِیکِر، ۱۹۸۳]، صفحۀ ۲۶۳). کتاب‌مقدس نیز همین دیدگاه را تأیید می‌کند. بله، باید دعا کنیم. اگر خدا چشمان ما را نگشاید، آن چیزهای شگفت‌انگیز را در کلامش مشاهده نخواهیم کرد. اما دعا نمی‌تواند جایگزین مطالعه گردد، زیرا پولس می‌گوید: «سعی کن - مطالعه کن - تا کلام خدا را به خوبی انجام دهی».

**۳. دعا کنید و تفتیش نمایید**

طرز برخورد ما با کتاب‌مقدس، باید مانند شخص پول‌دوستی باشد که تب و تاب طلا داشته و به جستجوی آن می‌شتابد؛ و یا مانند کسی که انگشتر نامزدی‌اش را گم کرده، و برای یافتنش، خانه را کند و کاو می‌نماید. ما نیز باید به همین شکل، خدا را در کتاب‌مقدس بجوییم.

امثال سلیمان ۲:‏۱-‏۶ می‌فرماید:

ای پسر من! اگر سخنان مرا قبول می‌نمودی و اوامر مرا نزد خود نگاه می‌داشتی، تا گوش خود را به حکمت فرا گیری؛ و دل خود را به فطانت مایل گردانی. اگر فهم را دعوت می‌کردی و آواز خود را به فطانت بلند می‌نمودی، اگر آن را مثل نقره می‌طلبیدی و مانند خزانه‌های مخفی، جستجو می‌کردی، آن‌گاه ترس خداوند را می‌فهمیدی؛ و معرفت خدا را حاصل می‌نمودی. زیرا خداوند حکمت را می‌بخشد؛ و از دهان وی، معرفت و فطانت صادر می‌شود.

قبول نمایید، نگاه دارید، گوش گیرید، دل خود را مایل گردانید، دعوت کنید، آواز خود را بلند نمایید، بجویید، گویی که در پی نقره هستید، گویی که خزانه‌های مخفی را جستجو می‌نمایید. این است تفتیشِ به تمام معنا و تمامْ قوای کتاب‌مقدس. اگر در کلام خدا گنجی نهان است، آن را بدان گونه تفتیش کنید که گویی در پی آن گنج هستید؛ و اگر در آن نقره وجود دارد، آن نقره را بجویید. حتماً دعا کنید (همان‌طور که آیۀ ۳ می‌فرماید)، ولی برای این کاوش، دعا را جایگزین نکنید. خدا این‌گونه مقرر نموده تا به آن کسانی ببخشد، که به تمامی دلشان، جستجو می‌کنند (ارمیا ۲۹:‏۱۳).

**۴. دعا کنید و تفکر نمایید**

دوم تیموتائوس ۲:‏۷ را ملاحظه نمایید: «در آنچه می‌گویم تفکر کن، زیرا خداوند تو را در همه‌چیز فهم خواهد بخشید.» یعنی در اصل، چنین می‌گوید: «به چیزی که می‌گویم، فکر کن.» آیا این بدان معناست که می‌توان تعلیم پولس را صرفاً به همت تفکری طبیعی و انسانی درک نمود؟ خیر. انتهای آیه، چنین می‌فرماید: «خداوند تو را فهم خواهد بخشید.» شما با قدرت خودتان، قادر به دیدن نیستید. ادراک روحانی، هدیۀ خداست.

اما خدا مقرر کرده که از طریق تفکر نمودن، ادراکی ماورای طبیعی به شما عطا کند. «در آنچه می‌گویم تفکر کن، زیرا خداوند تو را در همه‌چیز فهم خواهد بخشید.» پس حتماً دعا کنید و از خدا بخواهید تا درک و بینش لازم را به شما عطا نماید. اما تفکر را جانشین دعا نکنید. تفکر کنید و دعا کنید. دعا کنید و تفکر نمایید. این روشی است که خدا معین نموده است؛ مسیحی که ریشه در تاریخ دارد؛ و کتابی که مکاشفه بوده و ماندگار است. همۀ حرف این است: بخوانید و مطالعه نمایید و تفتیش کنید و تفکر نمایید. اما بدون دعا، همۀ اینها بی‌ثمرند. هر دو با هم، نه فقط یکی از آنها.

**۵. دعا کنید و سخن گویید**

خدا کلام مکتوبش را منظور داشته است، تا کلامی گویا گردد؛ و در موعظه نمودن و مشورت دادن، و هم در نصیحت و توبیخ و هشدار و تشویقِ قومش به کار آید. رسالۀ کولسیان ۳:‏۱۶ می‌فرماید: «کلام مسیح، در شما [یا در میان شما] به دولتمندی و به کمال حکمت، ساکن بشود؛ و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید.» کلام مسیح به ما، کلام ما به یکدیگر می‌گردد.

من موعظه می‌کنم. ارادۀ خدا این است که کلامش بارها و بارها از نو اعلام گردد. شما نیز با یکدیگر از کلام خدا سخن می‌گویید. یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود گروههای کوچک در کلیسا این است که کلام خدا به ما گفته شود؛ و ما نیز آن کلام را با یکدیگر در میان بگذاریم. با هم از کلام خدا سخن گویید.

آیا این بدان معناست که آن لحظه‌هایی که از کلام خدا سخن می‌گوییم، نباید دعا کنیم؟ آیا این بدان معناست که چون کلام خدا را با اعتقادی راسخ، و گفتاری متقاعد کننده، و یا سخنانی خلاقانه، بیان می‌کنیم، می‌توانیم به نوعی چشم دل را گشوده، تا چیزهای شگفت‌انگیز از کلام خدا را مشاهده نماییم؟ پولس این را تعلیم نمی‌دهد. او در همان کتاب (کولسیان ۱:‏۹-‏۱۰) دعا می‌کند - او دعا می‌کند! «بازنمی‌ایستیم از دعا کردن برای شما، و مسألت نمودن، تا از کمال معرفتِ ارادۀ او، در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید . . . به معرفتِ کاملِ خدا نمّو کنید».

اگر زمانی که کلام مسیح، به دولتمندی در میان ما ساکن می‌گردید، به طور خودکار نیز شناخت خدا، و حکمت و فهم روحانی صورت می‌گرفت، دیگر احتیاج نبود که پولس این‌چنین جدی و مصمّم دعا کند تا خدا آنها را به ما عطا نماید.

**کلام و دعا با هم**

بنابراین، بارها و بارها مشاهده کرده‌ایم که اگر بخواهیم جلال خدا را در کلام خدا ببینیم، لازم و ضروری است که دعا کنیم. اما این را هم متوجه شده‌ایم که خواندن و مطالعۀ کلام، و تفتیش و تفکر در آن، و سخن گفتن از آن نیز لازم و ضروری است. خدا این‌گونه مقرر نموده که کار روحش، که گشودن چشم است، با کار کلامش، که آگاه ساختن ذهن است، تلفیق گردد. هدف خدا این است که ما جلال خدا را ببینیم؛ و جلال خدا را بازتاب دهیم. پس زمانی که در کلام، به جستجوی جلال خدا می‌پردازیم، او چشمان ما را می‌گشاید.

بخوانید، مطالعه نمایید، تفتیش کنید، تفکر نمایید، سخن گویید، گوش دهید؛ و دعا کنید. «چشمان مرا بگشا، تا از کلام تو، چیزهای عجیب بینم».

(برای تفکر و تأمل بیشتر، این آیات را نیز مشاهده نمایید: لوقا ۲۵:‏۴۵؛ اعمال رسولان ۱۶:‏۱۴؛ دوم پادشاهان ۶:‏۱۷؛ متی ۱۶:‏۱۷؛ ۱۱:‏۲-‏۶؛ ۱۱:‏۲۷).